



۲۰۱۸/۰۲/۱۰

دكتور عبدالحکیم منیب

نظری به تاریخ طبابت دیروز و امروز افغانستان

آیا از یک انقلاب طبی و یا طرز و میتود ستراتیژیک جدید تعلیم و تربیه یادآور شویم؟



نخستین قدم و بنیانگذاری طبابت که به نام طبابت اروپایی یاد می شود بعد از جنگ افغان و انگلیس در سال ۱۹۲۱ از طرف متخصصین و انسیتوت عالی طبی ترک ها در عهد سلطنت محمد نادر شاه [امان الله خان؟؟؟] بنیانگذاری شده.

با آنکه ساختار طبی به نام مکتب عالی طبابت وجود داشت مگر بی کفایت و ناکاره بود، متعاقباً اولین فاکولته طب ملی از طرف ترک ها در سال ۱۹۳۰ جامه عمل پوشیده و قرار معلوماتی که در دست است تعداد محصلین از ۲۵ نفر سالانه زیاد نبوده که شامل تمام رشته های طبی آن وقت بود.

و اولین داکتر نسایی به نام دکتورس منور خانم که ترک تبار بود سرویس نسایی ولادی را مجزا ساخت.

بعد از جنگ عمومی جهانی (۱۹۳۹ - ۱۹۴۵) برای اولین بار (موضوع قرارداد همکاری فرهنگی و طبی) خاصاً تدریس طبی) بین کشور افغانستان و مملکت فرانسه مطرح شد، که با امضای آن در فاکولته های طب و حقوق و علوم سیاسی کابل و فرانسه همکاری فرهنگی و تدریسی این کشور با افغانستان آغاز شد.

با امضای این توافقنامه فرهنگی به سیستم تدریسی که در زمان ایجاد فاکولته طب کابل (۱۹۲۹) توسط استادان ترکی شروع شده بود نقطه پایان گذاشته شد و به جای آن سیستم و میتود مدرن تدریسی فرانسه جای آن را گرفت.

زمان تدریس ترک ها که یک دوره انتقالی شمرده می شود راه را برای فرانسوی ها باز کرد و با آمدن پروفیسور "سَرَفینو" (Sarafino) و پروفیسور "بولانژی" (Boulanger)

به اهتمام ولی احمد نوری

قسمت اعظم مسؤولیت اداری و تدریسی و انکشافی آن را به عهده داشتند که نام های شان در آرشیف فاکولته های کابل و فرانسه درج است.

اولین فاکولته طب کابل را با تمام تشکیلات تعلیمی، تدریسی و تطبیقی در جوار شفاخانه یونیورسیتی علی آباد تهادب گذاری و بنای یک مرکز (universitairo-Hospitalier) را گذاشتند.



تدریس مضامین طبی، تداوی، و تشخیص و مراقبت مریضان را به درجه عالی رساندند، متعاقباً دولت فرانسه چندین بورس تحصیلی جهت پیشرفت و تخصص پیشنهاد کرد که بدین صورت یک توأمیت و افیلیشن بین فاکولته طب کابل و یونیورسیتی "کلود برنارد" (Claude Bernard) لیون (Lyon) ایجاد شد و چندین استاد فاکولته طب کابل با مبادله استادان فرانسوی رفت و آمد داشتند.

این مبادله دکتوران و متخصصان فرانسوی یک فرانکوفونی را در رشته طبابت به وجود آورد و اصطلاحات و ترمینولوژی های طبی را از زبان عربی که ترک ها از خود بجا گذاشته بودند، به زبان فرانسوی تبدیل شد. فاکولته طب و فارمسی کابل دوران طلایی را در زمان توأمیت با فاکولته طب پوهنتون کلود برنارد لیون داشتند.

تصویری از پوهنخی طب کابل در دهه ۱۹۶۰ میلادی

فوتو فاکولته طب کابل با تشکر از خانم ماریگو اخذ شد

طریق و پروگرام تدریسی فاکولته طب و فارمسی کابل به اثر تدریس استادان فرانسوی مطابق تدریس یونیورسیتی لیون بود. به همین ملحوظ توجه تعدادی از محصلین ممالک همسایه هم به سوی فاکولته طب کابل جلب شد و در هر صنف یکی دو محصل ایرانی دیده می شد.

برای اولین بار در تاریخ افغانستان محصلان اناث (دخترها) و محصلان ذکور (پسران) هم ردیف تدریس و تطبیقات اناتومی تشریحی و تسلیخ و همچنان در لابراتوار ها کنار هم بودند که برای افغانستان یک قدم بسیار بزرگ در راه حقوق زن پنداشته می شد. دوره تدریس فاکولته طب شش سال بود و یک سال هم دوره ستاز عملی در سرویس های مختلف بود و بعداً داکتران جوان جهت شمول در کدر علمی فاکولته آماده کانکور می شدند و کانکور تحت نظر اساتید افغان و فرانسوی معادل کانکور در فرانسه بود. دکترانی که به کانکور موفق نمی شدند به

شفاخانه های دولتی و ولایات مصروف خدمت می شدند. همچنان ارتقای رتبوی داکتران و استادان افغان در کدر



پراتیکی و تدریسی مطابق پروگرام و ارتقای فرانسوی ها صورت می گرفت.

بودجه و مصارف شفاخانه های پوهنتون و فاکولته طب و فارمسی تا به وجود آمدن وزارت تحصیلات عالی از طرف وزارت معارف پرداخته می شد و متباقی مصارف شفاخانه های دولتی کابل به دوش وزارت صحیه بود.

فوتوی داکتران زن در افغانستان در عهد فرخنده اعلیحضرت ظاهر شاه

برای شمول در کدر علمی فاکولته داکتران جوان بعد از ختم دوره تحصیل آماده کانکور می گردیدند و کانکور تحت نظر اساتید افغانی و فرانسوی معادل کانکور فرانسه بود.

دوکتورانی که در کانکور موفق نمی شدند به شفاخانه های دولتی در کابل و ولایات شامل وظیفه می شدند.

تمام دکتوران اجازه افتتاح معاینه خانه های شخصی را داشتند هیچ منبع تأمین اجتماعی صحی و یا بیمه وجود نداشت. به صورت عموم داکتر موقت بالخاصه بالایی در جامعه داشت و هیچ سیستم و مقررات تنظیمی و مراقبت وجود نداشت و تا امروز هم وجود ندارد.

داکتر کدر علمی بعد ختم وظیفه در شفاخانه آزادانه می توانست معاینه خانه شخصی داشته باشد و خاصتاً جراح ها ازین طریق از مریضان و مراجعین زیاد برخوردار بودند.

در سال های ۱۹۴۰ - ۱۹۷۰ شفاخانه های پوهنتون از آخرین تکنولوژی و اساسات و آلات تشخیص لابراتوری به معیار اروپایی مجهز بودند. ازین جاست که داکترهای شفاخانه یونیورسیتی شهرت خاص خود را داشتند.

فاکولته طب کابل و شفاخانه علی آباد که در آن وقت نام رسمی (نادر شاه روغتون) را داشت از شهرت و نجابت خوب برخوردار بودند. محصلین خارجی و ریزیدانت های فرانسوی می توانستند دوران ستاژ خود را در آنجا اعتبار بخشند. در زمان توامیت با فرانسه مکتب نرسنگ را هم فرانسوی ها بر رسی می کردند و یک تعداد نرس های افغان با تبادل با نرس های فرانسوی به فرانسه فرستاده شدند. یک خاطرۀ آن زمان فراموش نمی شود. تدریس مبادی جراحی و اهمتومات واقعات عاجل را من به عهده داشتم، روز اول آنقدر محبوب و تحت تأثیر بودم که در ختم درس زبانم خشک شده بود. یکی از نرس ها (س) که امروز در آلمان هستند گفت. مالم صایب یک گیلان او برایت بیارم جواب

مثبت بود بعد چند لحظه دوباره داخل صنف شد گفت: مالم صایب گیلاس نیافم. نل بابه سقو را برایتان کش کنم حال شما حدس زده می توانید. که من در چه حال بودم.

این دوره تدریس طبابت یکی از نخبه ترین و طلایی ترین دوره های تدریس طبابت در افغانستان بود، و شاگردان آن زمان، که به اثر خیانت و جنایت احزاب خلق و پرچم و اشغال افغانستان از طرف اتحاد شوروی، از وطن مهاجر شدند و امروز هم در اروپا و امریکا و هم در کشور های دیگر جهان به حیث استاد، مربی و متخصص در خدمت مردم و طبابت قرار دارند.

از صد ها و ممکن هزاران فقط چند چند مثال میدهم:

داکتر کمال سید پروفیسور در شفاخانه هوتیل دیوی پاریس (Hôpital Hôtel Dieu)، داکتر عبدالله نیکزاد داکتر در شفاخانه سن تن پاریس (Saint Anne)، داکتر محمد امین بهروان در پاریس، داکتر طاهره صالحی در پاریس، داکتر محمد افضل فاضل در شفاخانه پانتواز فرانسه (Hôpital de Pontoise)، داکتر نجیب زکریا در پاریس، داکتر ضیاء طبیب و داکتر تیمور قادری، پروفیسور در یونیورسیتی کلود برنارد لیئون فرانسه، داکتر عظیم رفعت در انستیتوت بستور و داکتر صابره کمال در بن المان، داکتر نسرین سراج در المان، داکتر رحیمه سینا در میشیگان امریکا، داکتر نسرین صدیق نعیمی در امریکا، داکتر سیمین صدیق در سانفرانسیسکو امریکا، داکتر طاهره نادری در نیویارک، داکتر رحیمه وردک در لاس انجلس، داکتر دانش عالمشاهی در اصلاح متحده و به ده ها و ده های دیگر در امریکا و ممالک مترقی جهان مصروف خدمت هستند.

بعد از اشغال افغانستان توسط اتحاد شوروی، به اثر خیانت و میهن فروشی کمونیستان افغان، تأثیرات منفی و ویرانی های مهمی در تمام امور وطن عزیز ما افغانستان رخ داد و در مراحل مختلف در ساحات اقتصادی، فرهنگی داشته های عنعنوی و مسائل مذهبی خاصاً در عالم طبی و طبابت ویرانی های غیر قابل جبران رخ داد که اعمار مجدد آن با تأسف دهه ها را در بر خواهد گرفت.

یک تعداد از معلمان و مربیان مکاتب و لیسه ها و یک عده از استادان پوهنتون ها (پوهنتون کابل و جلال آباد) از طرف نظام منحنط کمونیستی (احزاب خلق و پرچم) به جرم کمونیست نبودن به قتل رسیدند که از آن جمله پنج همصنفی و همکار من در کدر یونیورسیتی کابل هم بودند و یک تعداد استادان فاکولته طب مقفود گردیدند و تعدادی هم مجبور به فرار به ممالک همسایه و یا اروپا و امریکا شدند.

از طرف دیگر رکود اقتصادی در کشور و صعود فقر نزد مردم و باشندگان افغانستان وضع بحرانی ای را به میان آورد و بر تعداد زخمیان روز به روز افزوده می شد در حالی که مملکت و جامعه به فقدان داکتران و مداوا رویرو بود و هنوز هم است.

هر چند که اورگانیزسیون های کمک های طبی خارجی به صورت مخفی و براکنده و گاهی گاهی مراکز ابتدایی و اولیه را در نقاط مختلف داشتند مگر به صورت مطلق داکترهای خارجی اجازه ورود و کمک و تداوی را از طرف رژیم وقت نداشتند.

رژیم خلق - پرچم ناگزیر شروع به تولید یک دسته داکترهای مستعجل نموده دوران تحصیلی شش ساله پوهنخی طب را به چهار سال تنزیل داد و فقط از مبادی طب و طبابت نام برده می شد و بس. تداوی هم مربوط سرپریات بود. تمام لوازم و لوژستیک لابراتوارها و آلات و وسائل معاینات مکمله اروپایی را با خود بردند و یا تخریب شده بود و طبابت سیر نزولی خود را می پیمود.

داکترهای بجا مانده و سابقه دار که زمینه فعالیت را در اختیار نداشتند مجبوراً چه از نظر اقتصادی و حیاتی به مهاجرت پرداختند و یک تعداد از استادان فاکولته ها و داکتران شفاخانه ها در ممالک همجوار به کمک پناهندگان بی بضاعت هموطن شان و افغانان مهاجر و خانه به دوش رفتند و به کمک و همکاری با مؤسسات خیریه دوکتوران بدون سرحد، هلال احمر بین المللی و غیره ان. جی. او. های کمک رسانی کشورهای مختلف مصروف شدند. مریضان کابل و شهر های کلان توسط مشاورین روسی مداوا و تعقیب می شدند مگر نتیجه اکثراً قناعت بخش نبود.

دوران زعامت مجاهدین

درین برهه زمانی زیربنای طبابت خاصاً در کابل و به صورت عموم در همه نقاط کشور ما افغانستان برهم خورده و سیر نزولی آن شروع گردید.

از یک طرف فقدان داکترهای ورزیده و از جانب دیگر جنگ های خانه برانداز داخلی، مایحتاج مریضان و مجروحین افزون گشت، و از جانب دیگر اصلیت و ماهیت واقعی داکتر و طبیب را از بین برد.

تکنیسین های طبی و فاقد تحصیل و دیپلوم داکتری با اسناد جعلی و نام های مستعار و یا دیپلوم های خرید شده در هر گوشه و کنار به نام متخصص و داکتر دیده می شد که این خود صدمه بزرگی به ارزش طبیب حاذق و دوکتوران طب وارد نمود و از جانبی هم مسلک مقدس طبابت را به یک بازار تجارتي و منفعت جویی بدل کرد.

سویه تعلیم فاکولته ها خاصاً فاکولته طب که با صحت و حیات مردم سر و کار دارد نظر به فقدان استادان لایق رو به سقوط بود و مآخذ استادان از نشرات ایران و ممالک همسایه و ترجمه هایی نامطمئن و تدریس فاکولته طب به نام علوم صحیه عالی یاد می شد.

به صورت وقفه وی و گاهگاهی دوکتوران اروپایی به رهنمایی و کمک ابتدایی شان میرسیدند، مگر سودی نداشت و بنیان طبی فقط به نام بود و بس.

دوران حکمرانی طالبان

طالبان در قدم اول تمام مکاتب و فاکولته ها را بستند و بعد از مدت شش ماه اولین دری که باز شد دروازه فاکولته طب بود و متعاقباً دیگر فاکولته ها نیز باز شدند.

نخستین کار طالبان در تدریس فاکولته طب و تمام فاکولته ها مضمونی به نام - ثقافت اسلامی - اجباری و حتمی بود و ناکامی در آن سبب اخراج محصل از فاکولته میگردد.

تعداد استادان افغان ناچیز شمرده میشود و استادان اکثرأً پاکستانی بودند. رئیس پوهنتون شخصی به نام مولوی فاضل بود که افکار اسلامی افراطی را در جامعه تدریسی پوهنتون و فاکولته ها رونق داد. محصلین مکلف بودند با پیراهن های کشال و تنبان و ریش به درس بیایند.

مضامین اسلامی قرائت قران مجید توسط "قاری سلیم" و تاریخ اعراب توسط "رئیس ستره محکمه به نام "سیرت النبوی" را که هیچ رابطه با طب و طبابت ندارد در تدریس فاکولته طب تعلیم و بر محصلین تعمیل می شد. استادان فاکولته ها اکثرأً وزرای وقت بودند که فاقد بنیان اختصاصی مضمون تدریسی بوده و کار اداری و خشونت پیشه شان بود.

بررسی و تداوی معالجوی به تداوی انقطاعی و موتیلیشن مبدل و بار آوردن معلولین را سبب شدند. تعداد مرگ و میر اطفال نظر به عدم موجودیت و بررسی مراکز طبی به اوج خود رسیده بود.

دوره انتقالی و زعامت حامد کرزی

درین دوران فاکولته طب سیر قهقرایی خود را پیموده بود و می پیماید. تعداد زیادی از دوکتوران پناهنده در ممالک مجاور و اروپایی دوباره برمیگردند و شمع فاکولته طب را روشن نگه میدارند.

سعی و تلاش محصلین برای آموختن قابل قدر است و از هر طریقی که می توانستند با وجود مشکلات می آموختند. میدیا و انترنت در توان و قدرت به کمک شان بود و تعداد دوکتوران افغان هم با همکاری مؤسسات کمک کننده به صورت وقفه ئی به تدریس و ترتیب لابراتوارها و از وسایل اولیه تشخیص و تطبیقات برخوردار شدند.

با سعی همین داکترهای افغان فاکولته طب الهام نوینی از طبابت اروپایی می گیرند مگر آثار طالبیگری هنوز هم برجاست و امور اسلامی تدریس میگردد. در ۲۰۰۶ رقم مرگ و میر اطفال نظر به احصائیة انستیتوت ملی مطالعه دیموگرافیک، به ۱۶۶ فی هزار می رسد.

کمک های وافر خارجی به منظور رشد اجتماعی در هر ولایت افغانستان فاکولته ها ایجاد و مترادفاً شفاخانه ها را با وسایل طبی مجهز می کردند و دکتوران مقیم اروپا و امریکا وقتاً فوقتاً به کمک و همکاری شان می رسند. با آنها تعداد دکتوران ورزیده انگشت شمار است.

مَدَم شیراک (Madame CHIRAC) اولین شفاخانه حمایه طفل و مادر را در کابل افتتاح و حکومت فرانسه تعهد نموده است که بررسی طبی و مایحتاج آن را مراقبت و حفاظت می کند که یگانه شفاخانه با وسایل تخنیکی و معالجوی مجهز شمرده شده که امروز متخصصین نخبه افغان عملیات های قلبی

باز را به تنهایی و موفقیت انجام می دهند و یگانه مرکز معاجوی طبی ريفرانس محیطی و منطقوی ست.

دوران اشرف غنی

طبابت کابل سیر ارتقایی به خود گرفته از یک طرف با مساعی دوکتوران افغان مقیم اروپا و امریکا و از جانب دیگر وفور کمکهای مؤسسات صحتی با فراهم نمودن لوژیستیک شفاخانه ها و کلینیک ها با ملحقات لازمه آن به طبابت معاصر آشنا و دسترس می یابند.

تعداد کثیری از دوکتوران و متخصصین افغان از هر گوشه و کنار به تدریس محصلان اشتراک نموده و درین مورد سعی و مساعی دوکتور اوریا صاحب و همکاران شان را که نقش مهم در تجهیز و فراهم نمودن لوژیستیک تشخیصی و تکامل لابراتوارها را که قابل قدر و ارزش احیای طبابت امروزی و معاصر است، نباید نادیده گرفت. با آن هم هنوز خلاهایی وجود دارد و یک تعداد استادان از شاگردان سابقه دوران طالبان بوده که خود بنیان سیانتیفیک و علمی و استوار طبی ندارند و محصلان هنوز هم به اناتومی تشریحی و تسلیخ آشنا نیستند.

بیولوژی و بیوشیمی مولیکولیر و ژنیتیک رونق تصویری دارد.

دوکتوران روشنفکر و جوان امروزی که تعداد شان بسیار کم رنگ است مایحتاج مردم و جامعه را سعی دارند تا عقاید سنتی و مذهبی طبابت و طب بار افغانستان را ماهرانه و به صورت تدریجی با همکاری میدیا از طریق کنفرانس ها، نشرات و انترنت با سعی شباروزی شان از پیشرفت و معرفت و ارتقای ارزش های طبی معاصر و امروزی معرفی دارند و این خود نخستین قدم در معرفت به جامعه و میهن و علاقه ارتقاء و پیشرفت به نسل آینده را ترسیم می دارد.

به امید روزی که باز محصلان از تدریس دوران طلایی و مریضان از تشخیص و تداوی آن زمان، برخوردار شوند. و من الله التوفیق

**** * ****